

می‌تواند با یک بازی معمولی و روان آن شخصیت را ارایه دهد. برای مثال در شاهین طلایی من کار خاصی نکردم،

ولی به دلیل شخصیتی که در داستان داشتم، بازی که ارایه دادم به نظر مردم خیلی جالب به نظر آمد و از این شخصیت استقبال کردند. به مجرد حضور این شخصیت روی پرده، می‌خندیدند. فکر می‌کنم این نکته به خاطر

تأثیر دیالوگ‌هایی بود که او می‌گفت، نوع کاراکتر آن نوع بازی را از جانب من می‌طلبید.

در این حالت من از فیگور خاصی استفاده نکردم. فکر می‌کنم برای بازی در یک نقش کمیدی نیازی به فیگورهای مخصوص نیست و اغراق در ارایه بازی نمی‌خواهد بعضی وقت‌ها می‌بینم که بازیگران در بازی خود اغراق می‌کنند. ولی اصلاً نتیجه کارشان کمیدی از کار در نمی‌آید. به نظر من برای ایفای یک نقش کمیدی نیازی به هیچ یک از این کارها نیست. در این حالت اگر شخصیت و نوع فیلمنامه جا داشته باشد، یک بازی معمولی هم می‌تواند یک نقش کمیدی را در بیاورد.

□ فکر می‌کنید چرا در فیلم‌های کمیدی بیشتر مواقع کاراکترهای مرد حضور کامل دارند، ولی چنین اتفاقی در مورد کاراکترهای زن رخ نمی‌دهد؟

■ خب، فکر می‌کنم مقداری این مسئله به حساسیت مسئولان ارشاد نسبت به نوع ارایه شخصیت زن روی پرده سینما باشد. شاید برخی فیلمسازان و فیلمنامه‌نویسان مصلحت‌اندیشی می‌کنند و به خاطر مسایلی که ممکن است به دلیل ایفای نقش کمیدی توسط خانم‌ها پیش بیاید، حساسیت به خرج می‌دهند. همین مسأله باعث می‌شود فیلمنامه‌نویسان کمتر به دنبال شخصیت کسبیک خانم‌ها می‌روند. شاید به نظر آنها می‌رسد که ارایه این نوع کاراکتر با شخصیت زن در جامعه مغایرت داشته باشد.

□ در فیلم «شاهین طلایی» برای نزدیک‌تر شدن به آن نوع شخصیت کار خاصی هم کردید؟

■ در فیلم‌های ایرانی ما کاراکترها را بیشتر به صورت یک تیپ می‌بینیم. شخصیت درونی این نوع کاراکترها را فیلمنامه‌نویس نمی‌تواند به راحتی در بیاورد. آنها این شخصیت را به صورت یک تیپ ارائه می‌دهند. برای مثال در شاهین طلایی من نقش زنی را بازی می‌کنم که از شوهر خود توقعاتی بیش از حد دارد و برای خود ایده‌آل‌هایی دارد که در زندگی به آنها نرسیده است. او همراه خود ادعاهایی دارد. من فقط توانستم روحیات آن شخصیت را درک کنم و آن را به نظر خودم خوب ارائه دهم.

□ این نقش از اول قرار بود کمیدی باشد یا اینکه در طول کار چنین وضعیتی پیدا کرد؟

■ فکر می‌کنم بازی من باعث شد که نقش یک مقداری از حالت آن زن غرغروی همیشگی که در فیلم‌ها می‌بینم در بیاید. این باعث شد نقش از حالت منفی خارج شود و تبدیل به نقشی کمیدی شود که در لحظاتی همراهی تماشاگر را با خود باعث می‌شود.

□ سینمای کمیدی ایران را سینمای موفقی می‌دانید؟

■ در چند مورد کارگردان‌ها خیره می‌توانند در این نوع سینما موفق باشند. روحیه عمومی مردم را هنگام تولید فیلم‌های کمیدی باید در نظر گرفت، مردم ما به راحتی نمی‌خندند در حالی که شاید در فرهنگ کشورهای دیگر چنین نباشد. در کشورهای دیگر شاید چیزهایی عنوان کمیدی بر خود بگیرند که اصلاً ما را نمی‌خنداند. این به دلیل تفاوت روحیه مردم ما با مردم کشورهای دیگر است. نکته مهم دیگر نوع ساخت و برگردان سینمایی فیلمنامه‌هاست. برای مثال «شریک زندگی» فیلمنامه نسبتاً خوبی داشت، فکر می‌کردم فیلم خوبی از آب دربیاید، اما فیلم به خوبی فیلمنامه نبود. طبیعی است که در چنین حالتی به کار ما بازیگران ضربه وارد می‌شود. آن فیلمنامه خیلی بد ساخته شد و متأسفانه تأثیر زیاد خوبی هم نداشت. ای کاش فیلمنامه‌های خوب به دست کارگردانان خوب بیفتد.



سفر پرماجرا

کار کمیدی را ترجیح می‌دهم

گفتگو با سیامک اطلسی

□ کار کمیدی را آسان می‌دانید یا سخت؟

■ کار کمیدی مشکلاتی دارد هر چند که کار خیلی سختی هم نیست. کار کمیدی نشأت گرفته از طنزی است که خود را بروز می‌دهد و از نتیجه آن است که یک حالت و موقعیت کمیدی به دست می‌آید. موضوع یا سوژه‌های که فیلمساز دستمایه خود قرار دهد تا حاصل کارش کمیدی از آب درآید، می‌تواند خانوادگی، اجتماعی و حتی روابط افراد باشد. این مسائل به صورت کمیدی موقعیت می‌تواند به تصویر کشیده شود.

□ در دو فیلم سینمایی که ساخته‌اید، دو نوع سینما را تجربه کرده‌اید، خودتان کدام یک را ترجیح می‌دهید، کار کمیدی یا جدی؟

■ بستگی به این دارد که داستان چگونه دستمایه من کارگردان قرار گیرد. آنچه مسلم است این است که داستان باید اجتماعی باشد و فیلمساز بتواند از عهده آنچه می‌خواهد به تصویر بکشد، برآید. به طور کلی فیلمساز باید نسبت به موضوع هر نوع فیلمی که می‌سازد آگاهی

داشته باشد و بتواند آن را در شکل تصویری‌اش پیاده کند. □ پس اصرار به ساختن فیلم کمیدی ندارید؟

■ خیر، منتها اگر موضوع خوبی به دستم برسد، کار کمیدی را ترجیح می‌دهم.

□ یک کمیدی موفق از نظر نوع برخورد تماشاچی با آن چگونه کاری باید باشد؟

■ طنز و کمیدی باید قابل لمس باشد و تماشاچی با آن بیگانه نباشد. در انتخاب پرسوناژها هم باید دقت زیادی کرد، زیرا این مسأله اهمیت زیادی دارد. این پرسوناژها باید کار طنز کرده باشند.

□ برای قابل لمس شدن یک کار کمیدی چه باید کرد و یا به عبارتی چه می‌توان کرد؟

■ آنچه مسلم است تماشاچی یک کار کمیدی، وقتی از فیلمی خوشش می‌آید و می‌خندد که یک اثر منطقی و ملموس در ارتباط با واقعیت‌های جامعه را ببیند اگر جز این باشد، خنده بر لبان تماشاچی نمی‌نشیند. باید موضوعی را انتخاب کرد که منطبق بر واقعیت‌ها باشد. اگر طنزی که یک کاراکتر ارائه می‌دهد واقعی و منطقی باشد. تماشاچی خیلی سریع آن را دریافت می‌کند.

□ از رابطه طنز و مسائل جامعه‌گفتید، آیا ما می‌توانیم همه مسائل جامعه را به زبان طنز و کمیدی بیان کنیم؟

■ در مورد همه مسایل جامعه امکان‌پذیر نیست، تا آنجا که این طنز چیزی به تماشاچی بدهد و دیدی انتقادی به بعضی مضامین اجتماعی داشته باشد. که جنبه سازندگی داشته باشد. ما می‌توانیم از زبان کمیدی برای بیان برخی از مسائل استفاده کنیم.